

چرا آمار طلاق جوانان بالا رفته است؟



افزایش آمار طلاق در ایران مسأله جدیدی نیست. بارها آماری از تعداد عجیب طلاق در سال و ماه و حتی ساعت منتشر شده است و نشان می‌دهد زندگی‌های مشترک در ایران دیگر چندان دوامی ندارند و کم‌کم باید ۴۰،۵۰ سال زندگی مشترکی که بین پدربزرگ و مادر بزرگ‌هایمان می‌دیدیم به فراموشی بسپاریم.

افزایش آمار طلاق در ایران مسأله جدیدی نیست. بارها آماری از تعداد عجیب طلاق در سال و ماه و حتی ساعت منتشر شده است و نشان می‌دهد زندگی‌های مشترک در ایران دیگر چندان دوامی ندارند و کم‌کم باید ۴۰،۵۰ سال زندگی مشترکی که بین پدربزرگ و مادر بزرگ‌هایمان می‌دیدیم به فراموشی بسپاریم.

به گزارش سلامت نیوز، هرچند همچنان زوج‌ها و مسن‌ها و ترسعی می‌کنند زندگی‌شان را ادامه دهند و جوان‌ها و ترسعی‌ها بیشتر سراغ طلاق می‌روند. تحمل جوان‌ها کم شده؟ توقع جوان‌ها بالا رفته؟ دوست ندارند مشکلات‌شان را پنهان کنند یا به قول معروف با طلاق عاطفی زندگی کنند؟ جواب این سوال‌ها نشان می‌دهد چرا برخلاف ازدواج که کم شده طلاق روز به روز بین جوان‌ها شایع‌تر می‌شود.

آماری از جدایی

آخرین آماری که در سایت سازمان ثبت احوال منتشر شده نشان می‌دهد به ازای هر ۳۹۹ ازدواج یک مورد طلاق در کشور رخ داده است. بیشترین آمار طلاق هم در تهران بوده و ایلامی‌ها کمتر طلاق گرفته‌اند.

البته سایت ثبت احوال همچنان آمار سال ۹۵ را منتشر کرده و خبری از آمار سال جدید نیست. شاید به دلیل اینکه علی‌اکبر محزون، مدیرکل اطلاعات و آمار جمعیتی این سازمان مدتی پیش گفته بود ثبت احوال از این پس آمار طلاق در کشور را اعلام نخواهد کرد چون «ارائه آمار صرف دردی را دوا نمی‌کند و تکرار مکررات ممکن است آسیب به وجود آورد».

آمار سال ۹۵ نشان می‌دهد از ۱۳۶ هزار و ۶۵۱ مورد طلاق، ۱۵ هزار و ۱۷۱ مورد در یک سال اول زندگی رخ داده و ۱۴ هزار ۶۹۱ طلاق هم بین زوج‌ها و هایی اتفاق افتاده که بین ۱ تا دو سال با هم زندگی کرده‌اند. ۴۰ درصد طلاق‌ها بین افراد زیر ۲۴ سال و ۷۰ درصد طلاق‌ها بین زیر ۲۷ ساله‌ها اتفاق افتاده است و این آمار مسأله افزایش طلاق بین زوج‌ها و جوان‌ها و در ۵ سال اول زندگی را تایید می‌کند. کارشناسان می‌گویند که ناموفق بودن زوجین در برقراری ارتباط کلامی، معنوی، جنسی و اجتماعی عامل بیشتر طلاق‌هاست. هرچند که حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد خانواده‌ها هم در طلاق عاطفی به سر می‌برند که برخلاف طلاق واقعی آمارشان ثبت نمی‌شود!

حالا کارشناسان با ابراز نگرانی از شیوع طلاق بین دهه هفتادی‌ها معتقدند با رسیدن دهه هشتادی‌ها به سن ازدواج باید نگران آنها باشیم.

چرا طلاق می‌گیریم؟

شاید مشکلات اقتصادی یکی از مهمترین عامل طلاق در بسیاری از خانواده‌های ایرانی باشد اما بین جوان‌ها که روز به روز تعداد طلاق‌شان از ازدواج‌شان بیشتر می‌شود، عوامل کمی متفاوت است. یکی از دلایل طلاق این سنین بهم خوردن رویایی است که از ازدواج در سنین کودکی و نوجوانی ساخته‌اند. زندگی پس از ازدواج در ذهن بسیاری از جوان‌ها بدون غر، بدون گله و مشکل و به تمام معنا رویایی است. اما وقتی ازدواج می‌کنند و با واقعیت زندگی مواجه می‌شوند نمی‌توانند فاصله بین رویا و واقعیت را تحمل کنند و می‌گویند: اونی که می‌خواستم نیست!

خیلی‌ها هم برخلاف آنچه که فکر می‌کنند آمادگی ازدواج ندارند. آنها نه خودشان را درست و کامل می‌شناسند و نه مهارت‌های زندگی را کسب کرده‌اند و برای همین با اولین مشکل در زندگی مشترک جا می‌زنند و تصمیم به طلاق می‌گیرند. کسی که خودش را نمی‌شناسد و تصویر درستی از خودش و خواسته‌هاش ندارد نمی‌تواند یک زندگی مشترک را با مقتضیات آن اداره کند. در واقع کسی که هنوز از خواسته‌هاش تصور درستی ندارد و حتی رفتار و خواسته‌هاش مدام تغییر می‌کند از تصمیم‌بلافاصله پشیمان می‌شود. حتی از

تصمیم مهمی مثل ازدواج!

بی‌تجربه بودن در جوانی و سنین پایین باعث می‌شود افراد به مسائلی مثل نگرش‌ها، فرآیندها، مقابله و تفاوت‌های مذهبی، اخلاقی و خانوادگی بین خودشان بی‌توجه باشد و فکر کند اینها مسأله مهمی نیستند و حتی اگر متفاوتند بعد از ازدواج طرف مقابل تغییر می‌کند یا درستش می‌کنند! اما بعد از ازدواج متوجه می‌شوند این تفاوت‌ها جدی است و کسی هم قرار نیست تغییر کند و همین مسأله باعث به وجود آمدن اختلاف‌ها، جدی و در نهایت طلاق می‌شود.

انگیزه ازدواج هم مسأله مهمی است اما بسیاری از جوان‌ها و زوج‌هایی که در سنین پایین ازدواج کرده‌اند نمی‌دانند انگیزه‌شان از این کار چیست یا انگیزه درستی ندارند. مثلاً فرد مجردی که به انگیزه خلاصی از مشکلات خانه پدری ازدواج می‌کند، بعد از ازدواج و مواجهه با اولین مشکل دوباره خودش را گرفتار جنجال‌های گذشته می‌بیند و می‌خواهد فرار کند. انگیزه‌هایی مثل ازدواج به خاطر نیاز جنسی، جبران ناکامی‌های عاطفی گذشته، خسته شدن از مجرد بودن، تسلیم شدن به فشارهای محیطی، تحت تاثیر علاقه یک طرفه فرد مقابل قرار گرفتن و ترس از افزایش سن و پیدا نکردن فردی دیگر هم دلایل خوبی برای ازدواج نیستند و می‌توانند به طلاق در سال اول منجر شوند.

یاد نگرفتن و بلد نبودن مهارت‌های زندگی یکی از مهمترین عوامل طلاق در زوج‌ها جوان است. گفت و گو، گوش کردن، همدلی، صبر، گذشت، تاب آوری، مسئولیت‌پذیری و تعهد و مدیریت هیجان‌ها به خصوص خشم و البته مدیریت صحیح روابط جنسی از جمله مهارت‌هایی هستند که نیاموختن آن‌ها احتمال طلاق در سال اول را افزایش می‌دهد.

کلیدهای زندگی مشترک با دوام

اگر جوان هستیم و می‌خواهیم ازدواج کنیم یا فرزند جوانی داریم که در آستانه ازدواج است باید پیش از ازدواج به فکر بیفتیم تا از فروپاشیدن زندگی آینده جلوگیری کنیم.

در کشور ما متأسفانه دوره‌های آموزشی پیش از ازدواج که توسط دستگاه‌های مختلف برگزار می‌شود الزام‌آور و تاثیرگذار نیست. برای همین نمی‌شود به امید این دوره‌ها بود. بهتر است قبل از خواستگاری فرزندان را نزد مشاور ببرید تا متوجه شوید آمادگی ازدواج دارد و فردی که می‌خواهد با او ازدواج کند مناسب است یا نه. ضمن اینکه یاد بگیرد در زندگی و در برابر موقعیت‌های سخت و مختلف باید چه واکنشی نشان دهد.

هرچند باید بدانید که مشاورانی هم هستند که با دوره‌های بی‌پایه بیشتر فکر کسب و کارند به همین دلیل باید مشاوره کاربردی پیدا کنید. اگر فرزندان کسی را برای ازدواج انتخاب کرده سعی کنید هر دو را مجاب کنید با هم نزد مشاور بروند که در این زمینه تخصص دارد تا مشخص شود آنها مناسب یکدیگر هستند یا نه. البته یادتان باشد در هیچ کجای دنیا مشاور حق ندارد که به فردی بگوید که چه کاری انجام دهد بلکه مسائل، مشکلات و خوبی‌ها را با توجه به فرهنگ افراد باز می‌کند تا فرد خودش انتخاب کند که کدام راه برای ادامه زندگی او بهتر است.

اگر فرزندان ازدواج کرده و مشکلی دارد سعی کنید با طرفداری و دمیدن در اختلاف مسأله را بغرنج‌تر نکنید. شما نه تنها کمک نمی‌کنید که در واقع احتمال طلاق را بیشتر می‌کنید. دلسوزی واقعی این است که به او بگویید برای مشکلش از یک متخصص و مشاور استفاده کند. رفتن نزد مشاور و روانشناس عیب نیست بلکه نشانه بلوغ فکری فردی است که می‌داند بعضی مسائل را نمی‌داند و نمی‌تواند خودش حل کند. شما باید هم در انتخاب و پیش از ازدواج و هم در طول زندگی مشترک به طور هوشمندانه و صحیح همراه فرزندان باشید.

جوان‌ها هم باید به فکر داشتن زندگی مشترک خوب باشند به همین دلیل شاید بهتر باشد بیشتر از فکر و خیال هدیه بله بران و پانختی و باغ عروسی فکر تلاش برای دوام زندگی مشترک خودتان یا فرزندان باشید!